

«فرهیختگان» گزارش می دهد

بودجه ۵۲ میلیاردی آمریکا در جنگ تراشه‌ها با چین

صفحه ۸



نقش پررنگ کادر درمان و گروه‌های جهادی - مردمی در مهار کرونا قابل انکار نیست

تضعیف پروژه موفق دولت بایک سهل‌انگاری

«۱۶»

قائم‌مقام معاونت بین‌الملل و امور دانشجویان غیرایرانی دانشگاه آزاد مطرح کرد

افزایش دانشجویان غیرایرانی به ۱۵۰ هزار دانشجو در افاق ۵ ساله

«۱۶»

معنای حضور لاوروف در تهران

تکمیل حلقه ارتباط استراتژیک با آسیای میانه

«۷،۲۱»

« یادداشت

سیاست خاورمیانه‌ای بایدن و ترامپ؛ دوروی یک سکه

نویسنده اکونومیست در موردی نادر، رژیم صهیونیستی را مصداق عینی نقض حقوق بشر در نظر می گیرد. وی بحث خود را با این نکته شروع می کند که بایدن قبل از پرواز به عربستان سعودی، توقفی در تل آویو خواهد داشت؛ آن هم درحالی که به دلیل فروپاشی ائتلاف مشارکت کننده در دولت رژیم صهیونیستی، مطمئن نیست چه کسی به استقبالش خواهد شتافت. آمریکا در ماه‌های اخیر برخورد ملایمی با نفتالی بنت، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درپیش گرفته و البته یک دلیل آن هم شاید این باشد که آمریکا می ترسد انتقاد از بنت به بازگشت نتانیاهو کمک کند. در نتیجه چنین رویکردی است که مردم ایالات متحده در رابطه با گسترش شهرک‌های یهودی در کرانه باختری و قساوت‌های روزانه اشغالگری، صحبت‌ها و گوشه‌وکنایه‌هایی نداشته‌اند. در همین راستا آنها جسته‌وگریخته درمورد شیرین ابوعلقه، روزنامه‌نگار فلسطینی آمریکایی که ماه گذشته در کرانه باختری به ضرب گلوله شهید شد، با یکدیگر حرف می‌زنند (شاهدان و شواهد پزشکی قانونی نشان می دهد که او توسط یک سرباز رژیم صهیونیستی هدف گلوله قرار گرفته است). در هرصورت یک نکته روشن است؛ حقوق بشر هیچ گاه محور سیاست خارجی بایدن در خاورمیانه نبوده و صرفا گزینه‌ای روی میز باقی مانده است. دیپلمات‌ها تصمیم ماه ژانویه واشنگتن مبنی بر کاهش ۱۲۰ میلیون دلاری کمک نظامی به مصر (۱۰ درصد از کل بسته کمکی) را در بوق و کرنا می‌کنند؛ چراکه درظاهر مصر از برداشتن چند قدم ساده برای بهبود سابقه وحشتناک حقوق بشری اش خودداری می کند. اما مقامات در قاهره قضیه را کاملا برعکس می‌بینند؛ آنها می‌توانند آمریکا را تحقیر کنند و همچنان بیش از یک میلیارد دلار را به خانه ببرند.

🔴 تلاش‌های ناکام

برای کاهش نقش آمریکا در خاورمیانه

درنهایت مقاله‌نویس اکونومیست از ابعاد یک ناکامی بزرگ برای آمریکا سخن می گوید. براساس نظر وی مسائلی مانند شکست در مذاکرات با ایران درواقع به یک شکست بزرگ‌تر ایالات متحده اشاره دارد؛ شکست در بازنگری نقش آمریکا در منطقه. در این راستا سه رئیس‌جمهور متوالی آمریکا مشتاق کاهش نقش ایالات متحده در خاورمیانه بوده‌اند. اما درحالی که خاورمیانه در یک دهه گذشته به شکل دراماتیکی تغییر کرده است، سیاست آمریکا هنوز نتوانسته همراه و هماهنگ با آن تغییر کند.

نفت را مهم‌ترین محور سفر وی ارزیابی می کنند. بااین حال سعودی‌ها تمایلی به شکستن توافق موسوم به اوپک پلاس با روسیه و به تبع آن، تولید بیشتر ندارند. درواقع سعودی‌ها اصرار دارند حتی اگر شیرهای نفت را باز کنند، تنگناها در پالایشگاه‌ها همچنان قیمت‌بنزین را بالا نگه می دارد. در اینجا منافع شاهزاده سعودی واضح است. اواز به زانو درآوردن یک رئیس‌جمهور ایالات متحده لذت خواهد برد.

اما علاوه بر نفت موضوعات دیگری هم برای مذاکره وجود دارد. «برت مک گرک»، مشاور ارشد بایدن در امور خاورمیانه در حال مذاکره بر سر توافقی در رابطه با «تیران» و «صنافیر» است؛ جزایری در دریای سرخ که مصر در سال ۲۰۱۷ با واگذاری آنها به عربستان سعودی موافقت کرد، اما نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی روند انتقال این جزایر را فعلا متوقف کرده است. در کنار این مساله صحبت‌هایی در رابطه با مذاکره آمریکا برای بستن پیمان‌های جدید دفاعی با دیگر کشورهای خلیج فارس مطرح است.

بحث روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نیز از دیگر گزینه‌های مطرح است. دولت ایالات متحده امیدوار است که عربستان سعودی گام‌هایی را برای عادی سازی روابط با تل آویو بردارد. برخی مقامات آمریکایی مقید هستند که پیوندهای نزدیک‌تر عربی-رژیم صهیونیستی به آنها این اجازه را خواهد داد تا حضور عموسام را در منطقه کاهش دهند؛ اگر این کشورها قادر به محافظت از یکدیگر باشند نیاز کمتری به امنیت آمریکایی خواهد بود. بدون درنظر گرفتن احتمال وقوع یک تغییر شدید در هریک از این کشورها (عربستان و رژیم صهیونیستی)، بیش و پیش از آنکه ماهیت این شناسایی مورد سوال باشد، زمان بندی این شناسایی محل پرسش است. در این زمینه بعید است که سعودی‌ها بر سر زمان بندی با بایدن به توافق برسند. در عوض آنها احتمالا روند این شناسایی را به درازا خواهند کشاند، بدین امید که قبل از شناسایی، بیشترین سود ممکن را به جیب بزنند.

🔴 حقوق بشر؛ گزینه‌ای برای روی میز

وضعیت حقوق بشر و صحت‌سنجی ادعاهای بایدن درمورد محوریت این موضوع در سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، آخرین موضوعی است که تحلیلگر نشریه اکونومیست آن را دلیل اثبات ادعای خود درمورد عدم تفاوت بنیادین در سیاست‌های بایدن با ترامپ قرار می دهد. در این میان، بسیار جالب است که

خواندن این سازمان، یکی از آخرین نقطه‌های اصطکاک بین دوطرف محسوب می‌شد. مذاکره کنندگان آمریکایی سال گذشته پیشنهاد لغو آن را مطرح کردند، البته در شرایطی بحث برانگیز و درعین حال بی معنا؛ چرا که سپاه پاسداران همچنان زیر انبوهی دیگر از تحریم‌ها باقی می‌ماند. اما بایدن قبل از اینکه تصمیم خود را برای عدم موافقت با لغو تحریم‌های سپاه اعلام کند، ماه‌ها در این مورد تردید داشت و من و من می کرد.

در نهایت درحالی که گفت‌وگوها در شرایط سکون قرار گرفته‌اند، ماه گذشته آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارش داد که ایران از ۴۳ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با خلوص ۶۰ درصد برخوردار است. این میزان خلوص اگر به بیش از ۹۰ درصد برسد برای ساخت یک بمب اتمی کفایت می کند. بدین ترتیب و با توجه به شرایط موجود، حتی اشخاصی که در واشنگتن نسبت به احیای توافق خوشبین بودند، اکنون توافق را مرده تصور می کنند. آنها نسبت به باور این واقعیت توسط تیم بایدن تردید دارند؛ درعین حال برخی سیاستمداران آمریکایی از بایدن شاکی هستند که تمام سرمایه سیاسی خود را در جریان یک سال مذاکره با ایران سوزاند تا در نهایت مجبور به یک تصمیم گیری سخت شود.

🔴 بایدن و عربستان؛ تغییر مسیر در بدترین شکل و زمان ممکن

در شرایطی که رویکرد بایدن در قبال برجام و ایران در قالب فرصت‌سوزی و با نگاهی منفی توام بوده است؛ رویکرد وی در برابر عربستان در جهتی کاملا معکوس دنبال می شود. تحلیلگر اکونومیست با یادآوری این موضوع تاکید می کند که با توجه به روابط شاهزاده بن سلمان با ترامپ، جنگ وی در یمن و نقش او در قتل جمال خاشقچی، تحریم و منزوی ساختن این شاهزاده سعودی در میان دموکرات‌ها امری محبوب تلقی می‌شد. اما این موضوع هرگز جنبه پایداری به خود نگرفت. عربستان سعودی از سال ۱۹۴۵ زمانی که فرانکلین روزولت و ملک عبدالله روی عرشه یک کشتی جنگی آمریکایی با هم ملاقات کردند، اتحاد نزدیکی با آمریکا برقرار کرده است. شاهزاده محمد بن سلمان احتمالا بهزودی تاج‌وتخت را در اختیار گرفته و برای سالیان متمادی آن را حفظ خواهد کرد. بنابراین عدم گفت‌وگو با وی نمی تواند گزینه درستی باشد.

اما به نظر می‌رسد بایدن به بدترین شکل ممکن تغییر عقیده داده است. به‌رغم انکارهای بایدن، بسیاری در واشنگتن موضوع

علاوه بر رویکرد دوری از آل سعود، وعده داد که توافق هسته‌ای که در سال ۲۰۱۵ با ایران به امضا رسید و در سال ۲۰۱۸ توسط ترامپ ملغی شد، دوباره احیا خواهد کرد. همچنین وی از قرار گرفتن موضوع حقوق بشر در مرکز توجه سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه خبر داد. اما اکنون هیچ کدام از این تحولات رخ نداده؛ چرا که بایدن بیش از حد وعده داده و کمتر عمل کرده است. درواقع صرفا این لحن اوست که با ترامپ تفاوت دارد. البته ممکن است برخی خط‌مشی‌های متفاوت وجود داشته باشد، چنان که شاهد تلاش او برای احیای گفت‌وگوها با ایران با اشتیاقش برای برقراری آتش بس دائمی در یمن هستیم؛ اما ذات و جوهره این خط‌مشی خاورمیانه‌ای به شکل فراینده‌ای مشابه با دوران ترامپ بوده و بسیاری از خروجی‌های سیاست‌گذاری بایدن همان خروجی‌های دوران ترامپ است. این ادعا شواهد روشنی هم دارد که سرنوشت توافق هسته‌ای با ایران می‌تواند نخستین مورد آن تلقی شود.

🔴 برجام و فرصت‌سوزی‌های بایدن

توافق هسته‌ای با ایران یا همان «برجام» نخستین موردی است که تحلیلگر نشریه اکونومیست آن را شاهدهی بر ادعای خود درمورد «خروجی مشترک سیاست‌گذاری خاورمیانه‌ای دولت‌های بایدن و ترامپ» قرار می دهد. در این راستا توافقی با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) به امضا رسید که بر مبنای آن پذیرفته شد در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های این کشور کاهش پیدا کند. ترامپ امیدوار بود که درخواست‌ها و التماس‌های وی از ایران برای توقف کامل و همه‌جانبه برنامه هسته‌ای و در کنار آن تغییر رویکردهای سیاست خارجی اش نتیجه‌بخش باشد. اما درنهایت کمپین موسوم به «فشار حداکثری» وی شکست خورد و ایران نه تنها کم‌خم نکرد، بلکه فعالیت هسته‌ای ممنوعه خود را از سر گرفت و به متحدان آمریکادار منطقه حمله کرد. اما بایدن بیش از آنکه به دنبال احیای همان توافق قدیمی باشد، به دنبال چیزی بود که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه دولتش آن را توافقی «بلندمدت‌تر و مستحکم‌تر» می‌خواند. به نظر نویسنده اکونومیست هدر دادن زمان برای شروع مذاکرات باعث شد با توجه به تحولات انتخاباتی در ایران، مذاکرات دشوارتر از قبل دنبال شود؛ اما مواضع ایران و آمریکا در بهار امسال تا حدی به یکدیگر نزدیک بوده‌اند. در این میان برچسب زنی آمریکا به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تروریستی

هرچه به زمان سفر بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان نزدیک‌تر می‌شویم، موضع گیری‌ها و انتقادات نسبت به این سفر و همچنین اهداف و دستاوردهای احتمالی آن شدت می‌گیرد. دلیل این همه توجه هم کاملا روشن است؛ بایدن هنگام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روی رابطه بسیار نزدیک ترامپ با عربستان و شخص بن سلمان مانور وسیعی داده و آن را به شدت به چالش کشیده بود. با این همه اکنون این سفر در زمانی انجام می‌گیرد که تغییر و تحول خاصی در عربستان رخ نداده است، جنگ خونین یمن و نقض حقوق بشر همچنان تداوم دارد، پرونده جمال خاشقچی بدون سرنجامی روشن بایکوت شده و بن سلمان به عنوان پایه‌گذار تمامی این فجایع همچنان در مصدر کار قرار داشته و شخص اول تصمیم گیری عربستان محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به چنین پیشینه‌ای، حساسیت‌ها به سفر بایدن نه تنها کاملا قابل توجیه به نظر می‌رسد، بلکه این سوال را نیز به وجود می‌آورد که چه عوامل و زمینه‌هایی در تصمیم بایدن برای انجام این سفر دشوار و جنجالی تاثیرگذار بوده‌اند. این همان موضوعی بوده که مورد توجه تحلیلگر نشریه اکونومیست نیز قرار گرفته و وی را بر آن داشته تا به انگیزه‌ها و اهداف بایدن برای انجام این سفر توجه خاص نشان دهد.

🔴 رویکردهای متفاوت و خروجی‌های مشترک

تحلیلگر نشریه اکونومیست تحلیل خود از سفر بایدن به عربستان را با یادآوری این نکته شروع می کند که بایدن اصرار دارد شما بدانید سفر او درباره نفت نیست بلکه این سفر به مسائل بسیار بزرگ‌تری ارتباط پیدا می کند؛ اما کیست که نداند سفر به عربستان و در تعبیر تحلیلگر اکونومیست یورش او به سوی دومین تولیدکننده بزرگ نفت جهان، در زمانی انجام می‌گیرد که قیمت‌های جهانی نفت سر به آسمان گذاشته است. بنابراین می‌توان نظری خلاف گفته‌های بایدن داشت و نفت و مسائل مرتبط با آن را مهم‌ترین محور سفر بایدن تلقی کرد. اما مشکل اصلی از جای دیگری سرمنشأ می‌گیرد؛ بایدن پیش از این یک‌بار سوگوند خورده بود که عربستان سعودی را به یک کشور مطرود در دنیا تبدیل خواهد کرد. علاوه بر این، وی در ابتدای روی کار آمدنش وعده داد در حوزه خاورمیانه یک خط‌مشی متفاوت از رئیس‌جمهور سابق را درپیش خواهد گرفت. در این راستا وی

مضمون

رادیو مضمون با قصه‌هایی کمتر شنیده‌شده از فلسطین و اسرائیل

کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

@radiomazmoon

